جستار

انتصابات؛ رابطه یا ضابطه؟

منصور حقیقت پور
فعال سیاسی اصولگرا

با توجه به اینکه کشور دشواری‌های زیادی را پیش‌روی خود می‌بیند؛ اکنون زمان خوبی برای آزمون و خطا نیست؛ بنابراین همه دستگاه‌ها به‌ویژه قوه مجریه باید تلاش خود را به‌کار بگیرند تا امور به درستی اداره شود تا بلکه از این شرایط دشوار و موانع مختلف عبور کنیم. متاسفانه امروز بر خی بر ندانم‌کاری و تکروی توسط گروهی که در نظام مدیریتی فعال‌اند، موجب شده مردم به این باور برسند که مشکلات‌شان برای مسئولان در اولویت چندم قرار دارد. در واقع وقتی در چند سال اخیر مشکلات روزبه‌روز بیشتر می‌شود و تنگناهای اقتصادی همه قشرها را گرفتار کرده است، می‌توان گفت بی‌اعتمادی موجود، واکنشی طبیعی به چنین شرایطی است. شرح این شرایط نشان می‌دهد که این حالت را جدی بگیریم و با بررسی کنیم و علل بی‌اعتمادی مردم به راهکاری مناسب برای تغییر وضعیت برسیم. همچنین این را هم باید در نظر بگیریم، هر چقدر به فضای موجود بی‌تفاوت باشیم و برای بهتر شدن اوضاع کاری از پیش نبریم، همه چیز بدتر شده و کار به جایی می‌رسد که اصلاح ذهنیت افکارعمومی دشوار شده و شاید هم به‌کل، فراهم نشود. ماموریت‌های مهم به اندازه‌ای که اهمیت دارند، سخت و طاقت‌فرسا هستند. به همین دلیل، همتی عالی و تلاشی در همه سطوح لازم است تا کارآمدی‌ها را کاهش دهیم و شرایط را برای آرامش جامعه مهیا کنیم. با این توضیح که این روزها بر سر این مهم، همه اگر‌ها و دستگاه‌های مرتبط باید با عزمی جدی آستین‌ها را بالا بزنند تا در نتیجه تلاش‌شان این باشد که ندانم‌کاری جای خود را به کارآمدی دهد. در چنین حالتی افکار عمومی اگر کارهای انجام شده را به طور ملموسی در شکل کنند، حتی اگر همچنان درگیر مشکلاتی عدیده هم باشند، به دست‌اندرکاران اعتماد خواهند کرد. فساد پدیده‌ای است که همه جوامع با هر شکل و مختصاتی که داشته باشند، امکان درگیر بودن با آن را دارند. نکته مهم، چیزی جز این نیست که شفاف‌سازی باید جدی گرفته شود و همچنین زمانی که قرار است مدیری تعیین شود، درباره صلاحیت و شایستگی‌اش بررسی‌های لازم صورت گیرد. البته شرط تحقق آن این است که در انتخاب‌ها، رابطه نسبت به ضابطه در اولویت قرار نگیرد. یعنی اگر در نهادهای مختلف بازرسی‌های لازم به خوبی انجام شود، دیگر شاهد روی کارآمدن کارنان‌نامی‌شویم و در نتیجه مواردی چون فساد، تصمیم‌گیری‌های نادرست و... هم روی نخواهند داد. دولت جدید با شعار انقلابی‌گری به میدان آمده است که طبیعتا این شعار توقع‌های عموم را از دولتمردان بالا می‌برد. به‌نظرم دولتی‌ها از همین روزهای ابتدایی باید به چند مورد توجه خاص نشان دهند. به‌عنوان نمونه اگر شایسته‌سالاری برای تعیین مدیران ارشد و مسئولان استانی لحاظ شود، بی‌شک شاهد این خواهیم بود که دستگاه‌های اجرایی امور را با روش‌های منطقی ادار خواهند کرد. نکته دیگر اینکه، باید در گزینش‌ها، فقط به صلاحیت و دانش و همچنین تجربه توجه شود که در این صورت، اغراض سیاسی و حتی برداشت‌های افراد از مناسبات سیاسی نمی‌تواند در تصمیم‌گیری برای سپردن مسئولیت به اشخاص تاثیر بگذارد. کشور دشواری‌های زیادی را پیش‌روی خود می‌بیند تا بتوانیم اینطور نتیجه‌گیری کنیم که اکنون زمان خوبی برای آزمون و خطاست. بنابراین همه دستگاه‌ها به‌ویژه قوه مجریه باید همه تلاش خود را به‌کار گیرند تا امور به درستی اداره شود تا از این شرایط سخت خارج شویم.

دیدگاه

افغانستان به زبان ساده

مرتضی باقری
تحلیلگر مسائل خاورمیانه

جنگ، کشمکش و رقابت بر سر حکومت خصیصه دائمی در افغانستان بوده است ۱۸ سال بعد از مرگ امیرعبدالرحمن، فرزندش امیر حبیب ا... در خواب کشته شد. شاه جوان امیر امان ا... خان همان فردی است که بعدها خود را شاه امان ا... خواند و با شکست دادن انگلیس، افغانستان را به استقلال رساند. این کش وقوس ادامه داشت تا حکومت نیم‌بندی توسط قدری روستایی به نام بچه سقا به مدت ۹ ماه در کابل تشکیل شد و سپس دوباره از قوم پشتون زمان محمد زایی، نادر خان به حکومت رسید که پدر و فرزند تقریبا حکومت قریب ۵۰ ساله‌ای را شکل دادند. محمد نادرشاه خود در سال ۱۳۱۲ به وسیله یک نوجوان هزاره ترور و کشته شد که متعاقب آن محمد ظاهر شاه به‌مدت ۴۰ سال بر تخت سلطنت نشست تا کودتای ۲۶ تیرماه ۱۳۵۲ که پسر عموی ظاهرشاه بنام محمد داوود خان در غیاب پادشاه کودتا نمود و طی اعلان جمهوری، خاتمه سلطنت را در افغانستان رسمی کرد. روس‌ها که از دیرباز طبق وصیت پطر کبیر آرزوی رسیدن به آب‌های گرم جنوب داشتند با دقت نفوذ خود را در افغانستان پایه گذاری نمودند نفوذ روس‌ها از زمان ظاهرشاه روند افزایشی داشت که در زمان داوود خان تشدید یافت هرچند غربی‌ها هم سهم خود را داشتند این جمله داوود خان شهرت دارد که من سیگار آمریکایی را با کبریت روسی روشن می‌کنم. بالاخره طی کودتای خونین مارکسیستی ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ داوود خان سرنگون و خود وی به‌همراه خانواده‌اش تیرباران شدند و رسما حکومت کمونیستی وابسته به اتحاد جماهیری شوروی سابق در افغانستان حاکم گردید که منشا تمام اوضاع و شرایط فعلی افغانستان نتیجه این کودتای کمونیستی و سپس اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی سابق می‌باشد طبعا هر چند منطق اقتضا می‌کند سخن و تحلیل افراد بر اساس میزان استحکام و قدرت تحلیل و انطباق با واقعیات مورد توجه قرار گیرد و مبنای برداشت و شناخت از موضوعات باشد تا جایی که در توصیه‌های بزرگان ما آمده است به گفته‌ها توجه بفرمایید و نه گوینده... اما در مسایل مهم که سرنوشت ملت‌ها و کشورها بدان بستگی دارد و نظریه‌ها می‌تواند مبنای قضاوت و عملکرد قرار گیرد طبیعی است که تخصص و تجربه و سوابق افراد در ارزیابی مواضع و نظرات حایز اهمیت است. کما اینکه اینک همدیگر نفر به‌راحتی در همه امور خاصه مسایل افغانستان اظهار نظر نموده و برای درستی دیدگاه خود پافشاری می‌ورزند.

مر تضی مبلغ در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نفی جریان اصلاحات، توسعه نارضایتی‌ها را متوقف نمی‌کند

اصلاحات باید به سمت متقاعد سازی حاکمیت برای درک واقعیت‌ها حرکت کند

کار اصلاحات سخت‌تر از گذشته شده است

گفتمان‌های جریان اصلاحات باید به سمت هم‌افزایی بروند

طیف‌های جریان اصلاحات باید از تکروی پرهیز کنند

آرمان ملی- احسان انصاری: جریان اصلاحات برای ادامه مسیر خود و تجدید نظر در رویکردهای اشتباه نیاز به آسیب‌شناسی دارد. این در حالی است که اصلاحطلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ علی رغم شرایط یک طرفه و ناعادلانه‌ای که وجود داشت موفق به اتخاذ تصمیم‌های به هنگام و کلیدی نشدند. به همین دلیل فردای انتخابات ریاست جمهور سال ۱۴۰۰ باید آغاز یک تحول بنیادین در رویکردها و استراتژی‌های گذشته خود ندارد. «آرمان ملی» برای آسیب‌شناسی وضعیت جریان اصلاحات و شرایط آینده کشور با دکتر مر تضی مبلغ فعال سیاسی اصلاح طلب گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

◀ آسیب شناسی شما از رفتار اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ چیست؟ چرا با توجه به قابل پیش بینی بودن شرایط شاهد تصمیم گیری‌ها به هنگام از جریان اصلاحات نبودیم؟

در انتخابات ۱۴۰۰ اصلاح‌طلبان با دو مشکل بیرونی و یک مشکل درونی مواجه بودند. مشکل اول معضلات حاد اقتصادی و معیشتی و نارضایتی‌های گسترده حاصل از نو بود که منجر به سرخوردگی و انفعال مردم و بی اثر انگاشتن رأی خود شده بود. مردم به این احساس رسیده بودند که جریان هایی در کشور اجازه نمی‌دهند رأی آنها به نتیجه مطلوب خود برسد. مشکل دوم هم محدودیت‌های بی رحمانه‌ای بود حاکمیت و شورای نگهبان به اصلاح‌طلبان تحمیل می‌کرد از ماه‌های قبل از انتخابات هر حرکتی از سوی اصلاح‌طلبان برای به میدان آوردن چهره‌های رأی آور و مورد اعتماد مردم را به انحاء مختلف خنثی می‌کردند. در انتخابات نیز به نحوی سابقه و مضحکه‌ای هایی صحنه آرایی کردند و حتی اجازه حضور یک چهره حداقلی از نامزدهای جبهه اصلاح‌طلبان را ندادند. به همین دلیل امکان تصمیم گیری به هنگام از اصلاح‌طلبان سلب شده بود. مشکل اساسی درونی نیز به اختلاف نظری باز می‌گشت که در این شرایط عسرت و سختی گریبانگیر اصلاح‌طلبان شد. این سخن به این معناست که نحوه مواجهه آنها با صندوق رأی با چالش‌هایی همراه بود. مصوبات جبهه اصلاحات از پیش نحوه ورود به انتخابات و نامزدها را مشخص کرده بودامابه دلیل محدودیت‌هایی که از طرف حاکمیت اعمال شد هیچ کدام محقق نشد. در عین حال اختلاف جدی در جبهه و بیرون از جبهه بروز کرد مبنی بر اعلام نامزد انتخاباتی از بین نامزدهای مورد نظر شورای نگهبان و یا نداشتن نامزد انتخاباتی. این اختلافات نیز مشکلاتی در روند اجماع سازی موفق اصلاح‌طلبان ایجاد کرد.

> جریان اصلاحات همواره به دنبال آن بوده که براساس گفتمان و آموزه‌های اصلاحی حرکت کرده و رهبری و نحوه مدیریت خود را با سازوکارهای دموکراتیک سامان دهد. در این مسیر خاتمی و کاریزمای او نیز همواره موثر و راهگشا بوده است.

◀ شما از نارضایتی های گسترده مردم صحبت کردید. مگر مشکلات اقتصادی در دولت روحانی که متنسب به اصلاح‌طلبان بود رخ نداد؟

بله؛ اما دلایل بروز مشکلات متنوع بود که بخشی از آن به دولت و ناکارآمدی‌ها و ناتوانی های دولت باز می‌گشت. دلایل عمده تر و گسترده تر از بیرون بر دولت تحمیل شده بود. به عنوان مثال برخی سیاست‌ها و رویکردهای اشتباه و مشکل ساز در عرصه داخلی، خارجی، اقتصادی و فرهنگی که در حاکمیت دنبال می‌شد آثار زیان بار آن الزاماً بر دولت هم تحمیل می‌شد. عملکرد و دخالت دستگاه‌های موازی در کار دولت که بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور نیز در اختیار آنها است ،سیاه نمایی گسترده صداوسیما و دستگاه‌های تبلیغاتی عظیم مطلق دولت و از همه مهم تر خارج شدن غیرقابل پیش بینی ترامپ از برجام و بازگشت تحریم‌ها و بروز پدیده خانمان سوز کرونا از جمله چالش های پیش روی دولت روحانی بود. این مسائل همه در بروز شرایط ناگوار مؤثر بود اما اتفاق ناجوانمردانه‌ای که رخ داد آن بود که رقبا و مخالفان دولت با امکانات عظیم عملیاتی و رسانه‌ای تلاش کردند همه مشکلات را در افکار عمو می‌متوجه دولت روحانی کنند و آنها را در بدترین وضعیت در منظر افکار عمو می‌قرار بدهند. این امر به اصطلاح‌طلبان در افکار عمو می‌آسیب جدی وارد کرد. مردم رئیس جمهور و دولت را به نحوی منتسب به اصلاح‌طلبان می‌دانستند. به عنوان یکی از ده‌ها نمونه می‌توان به موضوع مهم واکسن کرونا که علاوه براینکه بر اقتصاد و معیشت با جان مردم نیز سرو کار داشت اشاره کرد. در شرایط کنونی این موضوع روشن شده است که چه دست‌ها و دستگاه هایی و با چه انگیزه هایی با استدلال تولید فوری واکسن داخلی در عملیات وارد کردن گسترده واکسن از خارج مشکل ایجاد کرده اند وبه همین دلیل فاجعه پیک پنجم کرونا در کشور افریده شد. اگر در شرایط کنونی که مخالفان دولت روحانی به قدرت رسیده اند به شکل دیگری عمل می‌کنند هرچند بدون پاسخگویی نسبت به از دست رفتن جان بسیاری از انسان‌ها این اتفاقات صورت گرفته است.

◀ نوع چینش و ترکیب جبهه اصلاح‌طلبان که تصمیم گیرنده نهایی در انتخابات بود متناسب با شرایط کشور بود؟ آیا این ترکیب می‌تواند در آینده نیز وجود داشته باشد؟

نهاد اجماع ساز اصلاح‌طلبان مؤثر و موفق بوده و در هر دوره اصلاحاتی در آن به وجود آمده است. در دوره اخیر نیز به نظرم ترکیب مناسب تر و بهتری در جبهه ایجاد شد و نیروهای موثر و توانمندی به آن اضافه شدند. با این وجود برای آینده و سازو کار اجماع سازی اصلاح‌طلبان باید منتظر بررسی‌ها و اسیب شناسی باشیم که در حال انجام است تا با این شرایط جدید در سپهر سیاسی کشور و روند تحولات و نتایج بررسی‌ها و آسیب شناسی‌ها تصمیم لازم گرفته شود.

◀ چه نقدهایی به عملکرد جبهه اصلاحات وارد می‌دانید؟

مهم‌ترین نقد آن است که توانستند در موضوع انتخابات به اجماعی برسند که عمدتاً به خاطر آن جبهه این نهاد تشکیل شده بود. اگر چه شرایط تحمیلی بسیار سخت بود اما از جبهه انتظار بود که بتواند وظیفه اصلی خود را به درستی انجام دهد که متأسفانه موفق نبود.

◀ اصلاح‌طلبان که پس از انتخابات ۱۴۰۰ در بیرون از قدرت قرار دارد با چه چالش‌هایی مواجه خواهند بود؟

به دلیل شرایط سختی که امروز رقم خورده وتصلبی که حاکمیت نسبت به اصلاح‌طلبان و برخی رویکردها ی نادرست و بحران ساز از خود نشان می‌دهد کار اصلاح‌طلبان روز به روز سخت تر شده است و تعداد بیشتری از اعضای جامعه به تدریج به این نتیجه می‌رسند که امکانات امکان پذیر نیست و این روند برای نظام و جامعه بسیار مخاطره آمیز است. زیرا تنها راه برون رفت از مشکلات و بحران ها پیمودن راه اصلاحات وتن دادن حاکمیت است. همه به ویژه حاکمیت باید به هر شکلی شده به این باور برسند که چاره ای جز تن دادن به اصلاحات جدی و واقعی ندارند. امروز در حوزه اصلاح‌طلبی و برای تداوم اصلاحات گفتمان‌های متنوعی مطرح می‌شود که ابعاد مختلفی از فرصت و تهدید را برای اصلاح‌طلبان فراهم کرده است. برخی گفتمان اصلاحات ساختاری را چاره ساز می‌دانند، برخی گفتمان اصلاحات نهادی و مدنی و توانمند سازی جامعه را ضروری قلمداد می‌کنند، برخی گفتمان توانمندسازی جامعه و حاکمیت را چاره ساز می‌دهند. البته برخی هم به نام اصلاح‌طلبی دنبال منافع و مطامع خود هستند و شیوه های خود را دنبال می‌کنند. هر یک از گفتمان‌های مذکور در درون خود فرصتها و آسیب‌هایی را دارد. آسیب مهم تر آن است که هر گروه از اصلاح‌طلبان به تنهایی و بدون هماهنگی و هم افزایی بر یکی از گفتمان‌ها اصرار ورزیده و آن را دنبال کنند. مسأله مهم این است که به بیرون اصلاح‌طلبان و صاحب نظران گفت وگو های موثر و مستمری جریان یابد تا یکی از گفتمان های مذکور با گفتمان راهگشای جدیدی در نهایت غلبه پیدا کند و یا نوعی ائتلاف و هماهنگی سازنده و هم افزا بین گفتمان های مذکور با پرهیز از آسیب های هر یک فراهم شود. به نظر من راه حل دوم راه درست و اساسی است زیرا هر یک از گفتمان‌های مذکور فرصت‌ها و جنبه های سازنده‌ای دارد که بخشی از راه حل هاست. در این زمینه نکته مهم پرهیز از آسیب‌های هر یک نیز تکروی هر دسته از اصلاح‌طلبان است که منجر به بروز اختلاف و غلبه آسیب‌ها بر فرصت‌ها می‌شود.

◀ آیا بیرون بودن اصلاح‌طلبان از قدرت می‌تواند یک فرصت برای بازنگری در برخی رویکردها باشد؟

بیرون بودن اصلاح‌طلبان از قدرت هم می‌تواند فرصت باشد هم تهدید. اگر اصلاح‌طلبان به نوبه خود باید در این عرصه سخت اما ضروری تلاش وافر به عمل آورند. نخست در عرصه حاکمیت برای متوجه ساختن حاکمیت و رفبای سیاسی به مخاطرات پیش رو و متقاعد ساختن آنان به درک واقع بینانه از شرایط و تجدید نظر در رویکردها و سیاست‌های نادرست و فرصت سوز وبحران ساز اقدام کنند. دوم در عرصه جامعه برای آگاهی بخشی و هیجان زدایی از پیگیری مطالبات و ارتقای رفتارهای مدنی و غیر خشونت آمیز مبادرت ورزند. لازمه این کارها نیز ارتقا دادن ادبیات کلامی به ادبیان سازنده،اعتماد ساز و همدلانه است.

◀ آیا جریان اصلاحات در چنین شرایطی تلاش می‌کند از ساحت سیاسی به ساحت اجتماعی نقل مکان کند و مسائل اجتماعی را به امر سیاسی تبدیل کند؟

این نگاه که امر سیاسی را بر برابر امر اجتماعی قرار می‌دهد و یکی را بردیگری اولویت می‌بخشد یا به طور کلی فعالیت در یک حوزه را بر دیگری ترجیح می‌دهد و یا برای اصلاح‌طلبان خارج شدن از امر سیاسی و وارد شدن به امر اجتماعی را تجویز می‌کنند اصولاً نگاه درستی نیست و به نوعی ادرس اشتباه دادن است. امر سیاسی و امر اجتماعی از ضرورت های جامعه و حاکمیت و کشش گران سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود و مکمل وملزوم یکدیگر هستند. غفلت از هر یک منجر به آسیب رساندن به هر دو می‌شود. احزاب، کنش گران، فعالان سیاسی و صاحب نظران باید همزمان به ارتقای امر سیاسی و امر اجتماعی و اصلاح و توانمندسازی توامان جامعه و حاکمیت باعث تشدید اشتباهات و اغراق آن و آسیب رساندن بیشتر به جامعه می‌شود. غفلت از امر اجتماعی نیز منجر به تشدید ناهنجاری‌ها و افزایش شکاف های اجتماعی و ناکارآمد و ناتوان شدن حاکمیت می‌شود.

◀ جریان اصلاحات چگونه می‌تواند از طیف سنتی و محافظه کار خود که از جامعه تغییر در درون این گفتمان را می‌دهد و یا کمتر اجازه می‌دهد عبور کند؟

به نظر من مشکل امروز اصلاح‌طلبان به این مسائل باز نمی‌گردد. امروز همه اعم از طیف سنتی و مدرن جریان اصلاحات به دنبال راه حل و تغییر شرایط موجود هستند. جالب است بدانید که گاهی تندترین و آوانگارد ترین پیشنهادات و راه حل‌ها توسط برخی سنتی‌ها مطرح می‌شود و به عکس گاهی برخی راه حل و پیشنهادات محتاطانه و آرام توسط طیف مدرن جریان اصلاحات ارائه می‌گردد. مسأله مهم اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی ضرورت رسیدن به وفاق گفتمانی و راهبردی و عملیاتی است.

> گاهی تندترین و آوانگارد ترین پیشنهادات و راه حل‌ها توسط برخی سنتی‌ها مطرح می‌شود و به عکس گاهی برخی راه حل و پیشنهادات محتاطانه و آرام توسط طیف مدرن جریان اصلاحات ارائه می‌گردد. مسأله مهم اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی ضرورت رسیدن به وفاق گفتمانی و راهبردی و عملیاتی است

◀ اصلاح‌طلبان برای رهبری این جریان در آینده چه تصمی می‌خواهد گرفت؟ آیا همچنان کاریزمای خاتمی نقطه اتصال طیف‌های مختلف جریان اصلاحات خواهد بود؟

جریان اصلاحات همواره به دنبال آن بوده که براساس گفتمان و آموزه‌های اصلاحی حرکت کرده و رهبری و نحوه مدیریت خود را با سازوکارهای دموکراتیک سامان دهد. در این مسیر خاتمی و کاریزمای او نیز همواره موثر و راهگشا بوده است. آقای خاتمی هرگز به دنبال استفاده از مقبولیت و کاریزمای خود برای انحصار رهبری اصلاحات در خویش نبوده است. ایشان همواره تلاش کرده و می‌کند جریان اصلاحات در مسیر ذکر شده حرکت کرده و سازوکارهای خرد جمعی و دموکراتیک در آن ارتقا پیدا کند.

◀ یکدست شدن قدرت چه پیامدهایی برای کشور و جریان سیاسی دارد؟ آیا جریان راست می‌تواند از این فضا برای گرفتن تصمیمات سخت استفاده کند؟

یکی از مشکلات اساسی کشور نوع نگاه و رویکردی است که بخش های تندرو وراست حاکمیت و کشور نسبت به مدیریت و نحوه اداره کشور دارند. این نگاه انقباضی و توام با توهم و غیر منطبق با واقعیت‌ها و نیازهای جامعه تاکنون چالش‌ها و عقب ماندگی های زیادی را برای کشور به وجود آورده است. اگر یکدست شدن قدرت منجر به تشدید و تقویت این نگاه‌ها و رویکردها شود واقعاً برای کشور فاجعه آمیز خواهد بود. با این وجود اگر کسانی که در واقع صحنه گردان این ماجراها هستند با یکدست کردن و در اختیار گرفتن تمام قدرت و راحت شدن خیالشان از رقبا تلاش کنند در رویکردها و رفتارهای‌شان تجدید نظر اساسی به عمل آورند و از خیال پردازی و اعتماد به نفس غیر واقعی دست بردارند و به توصیه‌ها و هشدارهای صاحب نظران و کارشناسان واقع بین و مجرب کشور گوش فرا دهند می‌توان امیدوار بود که فرصت مناسبی برای آن و کشور فراهم شده است تا وارد فرایند سازنده‌ای از مدیریت کشور شوند. متأسفانه تاکنون که رفتارهای آنان چشم انداز روشنی را ترسیم نکرده است. تشکیل کابینه با نیروهایی که عمدتاً کم تجربه و حتی بی تجربه هستند، تجربه های ناموفق دارد و پیشینه ساده انگاری و شعارزدگی در آنها محسوس است، رفتارهای نمایشی و تبلیغاتی، کوچک نمایی کابینه‌ها و مشکلات بزرگ و بزرگ نمایی کارهایی که هنوز انجام نشده و قرار است انجام دهند نمی‌تواند انسان را امیدوار کند. ما ارزو می‌کنیم که جریان راست از فرصتی که به دست آورده اند گرچه با تضییع کامل حقوق رقبا و استفاده از رانت های مختلف بوده بتواند واقع بینانه بر مشکلات فائق آیند و مشکلات را حل کند. جریان راست باید بتواند این فرصت را به دستاوری برای خود و اصلاح امور جامعه تبدیل کند. این در حالی است که باید این نکته را در نظر گرفت که حرکت‌های نمایشی، رفتارهای احساسی،اعتماد به نفس غیر واقعی و شعارهای به اصطلاح انقلابی و جهادی غیر منطبق با واقعیت و اقتضائات جامعه و بزرگ نمایی‌ها و تبلیغاتی صداوسیما و رسان‌های حاکمیتی راهگشا نخواهد بود و به زودی به ضد خود تبدیل می‌شود. مواجهه با چالش‌ها و معضلات متعددی که کشور با آن مواجه است و خود آنان نیز عمدتاً بر سر پیدایش آن داشته اند نیاز به واقع بینی درک تحولات و نیازهای جامعه و تجدید نظر در رویکردها و سیاست‌ها و تعامل سازنده با جهان،اُنسی و انسجام ملی، استفاده از علم و دستاوردهای علوم انسانی،استفاده از نیروهای مجرب و کارآزموده است.

◀ چه چالش‌ها و فرصت هایی پیش روی دولت رئیسی می‌بینید؟

چالش‌های دولت چالش‌های موجود کشور است. آنها که همه مشکلات را متوجه دولت قبلی کرده و با هزاران تبلیغ خود رامنجی کشور معرفی کرده اند و وعده‌های آنچنانی داده و می‌دهند؛ کنون بدون رقیب و بدون امکان فرافکنی مشکلات به دوش دیگران به شعارها و وعده هایی که داده اند عمل کنند. البته با چالش‌های جدی دیگری هم مواجه هستند که شامل رویکرد های رادیکال و تند می‌شود. فرصت های اما شرایط یکدست بودن مدعی و رقیب است که به دست آورده اند. به ویژه اینکه دیگر نه بر سر راه آنها کارشکنی وجود دارد و نه دستگاه‌های موازی آنها را دور می‌زنند، نه مجلس لوایح آنان را نقض می‌دارد و یا معکوس می‌کند، نه صداو سیما و رسانه‌ها دیگر قدرتمند همسو برای آنها سیاه نمایی می‌کنند و نه دستگاه قضایی برای آنها ایجاد دردسر می‌کند. در چنین شرایطی همه این ارکان و نهادها در خدمت دولت خواهد بود.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

گفت‌وگوها با آژانس برای حل مسائل ادامه دارد

آرمان ملی- نرگس کارخانه‌ای: در ابتدای این هفته، تنها یک روز پیش از نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رافائل گروسی سفری موفقیت آمیز به ایران داشت و در نهایت این شورا اعلام کرد قطعنامه‌ای علیه ایران از این توافق استقبال می‌کنند. از طرف دیگر بسیاری نیز همچنان به ادامه مذاکرات در دوقدم هابرای پیشبرد مذاکره و به نتیجه رساندن برجام یکی پس از دیگری برداشته می‌شود اما در این میان از گوشه و کنار گاهی از موانعی صحبت به میان می‌آید. از پیله‌ها و مخالفت‌های همیشگی اسرائیل که بگذریم این بار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده است در ۴ مکان دیگر در ایران آثاری از فعالیت‌های هسته‌ای یافت شده است. گفته می‌شود این مکان‌ها بیشتر از سوی ایران به آژانس معرفی نشده بودند. در خصوص تاثیر این عوامل بر مذاکرات هسته‌ای «آرمان ملی» به گفت‌وگو با حسن بهشتی پور، تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی، پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

◀ موضوع ۴ مکان پیدا شده برای ۱۸ سال پیش است

◀ طرح موضوعات ساده اهرم فشاری بر ایران است

◀ آژانس اعلام کرده ۴ مکان دیگر در ایران مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای پیدا شده‌اند. همزمان با از سرگیری مذاکرات هسته‌ای آیا این امر می‌تواند مشکل ساز باشد؟

طبق گفته آژانس اطلاعات و آثار اورانیوم غنی شده از ۴ مکان در ایران به‌دست آمده که از قبل توسط ایران به عنوان مکان‌هایی برای فعالیت هسته‌ای اعلام نشده بودند و سوال آژانس از ایران این است که چرا در این مکان‌ها اورانیوم غنی‌شده وجود داشته، بنابراین چیزی پیدا نشده بلکه تنها آثار اورانیوم غنی شده در انجا در نمونه برداری از خاک و هر چیز لازم دیگر یافت شده و ایران نیز سوالات آژانس را پاسخ داده است اما آژانس پاسخ ایران را شفاف و قانع کننده نمی‌داند. قرار است این گفت‌وگوها بین آژانس و ایران ادامه یابد تا این شبهات برطرف شوند. به نظر می‌رسد این امر یک موضوع سیاسی باشد تا یک موضوع فنی، نخست آنکه بنابر آنچه مطبوعات غربی گفته‌اند این موضوع مربوط به ۱۸ سال پیش است، این دست امور محرمانه هستند و گزارشی برای عموم منتشر نمی‌شود و تنها گزارشی از انها در اختیار شورای حکام قرار می‌گیرد، همچنین آثار اورانیوم پیدا شده دارای غنای زیر ۵ درصد بوده، یعنی بسیار ناچیز که این موضوع نیز آژانس را ناامیدوار نکرده است. اما چون این مکان‌ها از پیش اعلام نشده بودند از سوی آژانس به عنوان سوژه‌ای جدید از دل دنیال می‌کند. اما به نظر من مساله به راحتی قابل حل است، گرچه نمونه‌برداری از این مناطق حدود یک یا دو سال پیش انجام شده است اما این فعالیت‌ها مربوط به قبل از سال ۲۰۰۳ هستند و موضوعی نیست که پیچیده یا مساله‌ساز باشد تا بر اساس آن پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهند.

◀ چه دلیلی می‌تواند بیشتر مطرح کردن چنین موضوعی پس از گذشت سال‌ها باشد؟

این یک واقعیت است که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها به دنبال سوژه‌هایی هستند تا بتوانند به آن بهانه‌ها ایران را تحت فشار قرار دهند. بنابر ۱۴ گزارش بعد از برجام آقای آمانو، مدیر کل پیشین آژانس، ایران به تمام تعهدات خود در برجام پایبند بوده است که در این گزارشات دیده نشده و تا زمانی که ایران با آژانس کار می‌کند، این دسته از سیاست‌های اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها به جایی نخواهد رسید. موضوع دیگر چگونگی رسیدن این اطلاعات به دست آژانس است که بنابر آنچه نشریات غربی گفته‌اند این اطلاعات مربوط به مدارک و اسنادی بوده است که در تورقوزآباد پیدا شده، در خصوص آن مرکز هم نمی‌توانم قضاوتی داشته باشم چون جزئیاتی در خصوص آن منتشر نشده. مهم این است که وقتی امری مربوط به ۱۸ سال پیش است و شواهد یافت شده اموری چون اورانیوم با غنای زیر ۵ درصد هستند، موضوع چندان قابل پرداختن نیست بلکه متاسفانه امر هم‌ریس‌ای کاری است و با مذاکرات برطرف می‌شوند.

◀ به تاثیر اسرائیل در امور مربوط به برجام اشاره کردید، این کشور موضع کاملا مخالف خود را همواره در خصوص برجام و مذاکره با ایران اعلام کرده است. مدتی پیش شاهد ملاقات بایدن و بنت نیز بودیم که به گفته بنت موفقیت آمیز پیش رفت. اسرائیل با چنین اهدافی چه تاثیری می‌تواند در این مذاکرات داشته باشد؟

اسرائیل خواهان این است که موضوع هسته‌ای است و از مزایای این عضویت استفاده می‌کند اما حتی پیمان NPT که یک شده دارای غنای زیر ۵ درصد بوده، یعنی بسیار ناچیز که این موضوع آن را نادیده بگیرد. اما چون این مکان‌ها از پیش اعلام نشده بودند از سوی آژانس به عنوان سوژه‌ای جدید از دل دنیال می‌کند. اما به نظر من مساله به راحتی قابل حل است، گرچه نمونه‌برداری از این مناطق حدود یک یا دو سال پیش انجام شده است اما این فعالیت‌ها مربوط به قبل از سال ۲۰۰۳ هستند و موضوعی نیست که پیچیده یا مساله‌ساز باشد تا بر اساس آن پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهند.

◀ یکدست شدن قدرت چه پیامدهایی برای کشور و جریان سیاسی دارد؟ آیا جریان راست می‌تواند از این فضا برای گرفتن تصمیمات سخت استفاده کند؟

یکی از مشکلات اساسی کشور نوع نگاه و رویکردی است که بخش های تندرو وراست حاکمیت و کشور نسبت به مدیریت و نحوه اداره کشور دارند. این نگاه انقباضی و توام با توهم و غیر منطبق با واقعیت‌ها و نیازهای جامعه تاکنون چالش‌ها و عقب ماندگی های زیادی را برای کشور به وجود آورده است. اگر یکدست شدن قدرت منجر به تشدید و تقویت این نگاه‌ها و رویکردها شود واقعاً برای کشور فاجعه آمیز خواهد بود. با این وجود اگر کسانی که در واقع صحنه گردان این ماجراها هستند با یکدست کردن و در اختیار گرفتن تمام قدرت و راحت شدن خیالشان از رقبا تلاش کنند در رویکردها و رفتارهای‌شان تجدید نظر اساسی به عمل آورند و از خیال پردازی و اعتماد به نفس غیر واقعی دست بردارند و به توصیه‌ها و هشدارهای صاحب نظران و کارشناسان واقع بین و مجرب کشور گوش فرا دهند می‌توان امیدوار بود که فرصت مناسبی برای آن و کشور فراهم شده است تا وارد فرایند سازنده‌ای از مدیریت کشور شوند. متأسفانه تاکنون که رفتارهای آنان چشم انداز روشنی را ترسیم نکرده است. تشکیل کابینه با نیروهایی که عمدتاً کم تجربه و حتی بی تجربه هستند، تجربه های ناموفق دارد و پیشینه ساده انگاری و شعارزدگی در آنها محسوس است، رفتارهای نمایشی و تبلیغاتی، کوچک نمایی کابینه‌ها و مشکلات بزرگ و بزرگ نمایی کارهایی که هنوز انجام نشده و قرار است انجام دهند نمی‌تواند انسان را امیدوار کند. ما ارزو می‌کنیم که جریان راست از فرصتی که به دست آورده اند گرچه با تضییع کامل حقوق رقبا و استفاده از رانت های مختلف بوده بتواند واقع بینانه بر مشکلات فائق آیند و مشکلات را حل کند. جریان راست باید بتواند این فرصت را به دستاوری برای خود و اصلاح امور جامعه تبدیل کند. این در حالی است که باید این نکته را در نظر گرفت که حرکت‌های نمایشی، رفتارهای احساسی،اعتماد به نفس غیر واقعی و شعارهای به اصطلاح انقلابی و جهادی غیر منطبق با واقعیت و اقتضائات جامعه و بزرگ نمایی‌ها و تبلیغاتی صداوسیما و رسان‌های حاکمیتی راهگشا نخواهد بود و به زودی به ضد خود تبدیل می‌شود. مواجهه با چالش‌ها و معضلات متعددی که کشور با آن مواجه است و خود آنان نیز عمدتاً بر سر پیدایش آن داشته اند نیاز به واقع بینی درک تحولات و نیازهای جامعه و تجدید نظر در رویکردها و سیاست‌ها و تعامل سازنده با جهان،اُنسی و انسجام ملی، استفاده از علم و دستاوردهای علوم انسانی،استفاده از نیروهای مجرب و کارآزموده است.

◀ چه چالش‌ها و فرصت هایی پیش روی دولت رئیسی می‌بینید؟

چالش‌های دولت چالش‌های موجود کشور است. آنها که همه مشکلات را متوجه دولت قبلی کرده و با هزاران تبلیغ خود رامنجی کشور معرفی کرده اند و وعده‌های آنچنانی داده و می‌دهند؛ کنون بدون رقیب و بدون امکان فرافکنی مشکلات به دوش دیگران به شعارها و وع